

بخش‌های نهادی در اقتصاد ایران و ضرورت اصلاحات ساختاری آنها در برنامه‌های توسعه‌ای

محمد رضا لعلی *

چکیده

یکی از موضوع‌هایی که از دهه ۱۹۸۰ مورد توجه اغلب سیاستگذاران اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفت، تدوین حساب‌هایی بود که بیانگر حرکت جریان‌های مالی و درآمدی در بین بخش‌های نهادی در اقتصاد باشد، چرا که بیشتر به دلیل نبودن چنین اطلاعاتی تخصیص بهینه منابع و جوه سالانه در بین نهادها به شکلی ناکارآمد از یک سوی و مازاد و کسری منابع مالی و درآمدی نسبت به حجم فعالیت آنها از سوی دیگر، باعث عدم دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده سیاستگذاران و در نتیجه اتلاف منابع می‌شد. به همین‌رو در سیستم تدوین شده حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ و نیز نسخه تجدیدنظر شده سال ۲۰۰۸ علاوه بر اهمیتی که برای جنبه‌های "کارکردی" ^۱ "اقتصاد قائل شده است، رویکرد "نهادی" ^۲ را نیز مورد توجه قرار داده و به همین‌رو بر تهیه حساب بخش‌های نهادی تأکید فراوان شده است. آمار و اطلاعات بخش‌های نهادی که در سال‌های اخیر توسط بانک مرکزی منتشر شده بیانگر این واقعیت است که در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی گذشته به روابط و اثرات متقابل پنج بخش نهادی شرکت‌های غیرمالی، شرکت‌های مالی، دولت عمومی، خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوارها کمتر توجه شده و این مسأله علاوه بر رشد ناموزون بخش‌ها، تحقق برخی اهداف برنامه را با مشکل مواجه ساخته است. با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش رفتار هر یک از بخش‌های نهادی در اقتصاد کشور را بر اساس اقلام عمده ترازکننده حساب‌های جاری همچون ارزش افزوده، مازاد عملیاتی / درآمد مختلط، درآمد ناخالص اولیه، درآمد قابل تصرف و پس‌انداز در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ضمن مقایسه سهم بخش‌های نهادی در اقتصاد کشور با کشورهای ناحیه اروپا، پیشنهادات لازم برای تدوین در برنامه‌های آتی کشور را ارائه کرده‌ایم.

واژگان کلیدی: بخش‌های نهادی، حساب‌های ملی، SNA 93، برنامه پنجم توسعه.

طبقه‌بندی JEL : E01, E02, O11.

Mohammadreza.lali@gmail.com

* کارشناس ارشد معاونت برنامه‌ریزی استانداری اصفهان

^۱. Functional

^۲. Institutional

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

۱. مقدمه

سیستم حساب‌های ملی^۱ از یک مجموعه منسجم، سازگار و یکپارچه حساب‌ها، ترازنامه‌ها و جداول مبتنی بر تعاریف و مفاهیم، طبقه‌بندی‌ها و قواعد حسابداری توافق‌شده در سطح بین‌المللی تشکیل یافته است که در آن چارچوب حسابداری، داده‌های اقتصادی در قالبی جامع برای برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

با استفاده از اطلاعات این سیستم می‌توان عملکرد اقتصاد هر کشور را همانند یک بنگاه اقتصادی برای یک دوره زمانی معین به تصویر کشید. این سیستم بر محور یک سلسله حساب‌های متوالی و مرتبط با یکدیگر تنظیم می‌شود؛ به طوری که داده‌های مربوط به جریان‌ها^۳ و موجودی‌ها^۴ را ثبت می‌کند. هر یک از حساب‌ها به نوع خاصی از فعالیت اقتصادی نظیر تولید، ایجاد درآمد، توزیع درآمد و مصرف درآمد مربوط می‌شود. داده‌های اقتصادی مربوط به هر یک از حساب‌ها به صورت منابع و مصارف در آنها ثبت می‌شود و هر حساب به وسیله یک قلم ترازکننده حاصل از تفاوت منابع و مصارف تراز می‌شود که در بخش سوم به طور اختصار به آن خواهیم پرداخت.

حساب‌های ملی ممکن است در سطوح مختلف اقتصاد هر کشور یعنی در سطح بنگاه‌های اقتصادی، واحدهای نهادی، بخش‌های نهادی و یا در سطح کل اقتصاد تنظیم شود. در سیستم حساب‌های ملی سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۶۸، عمدتاً تأکید بر تهیه حساب رشته فعالیت بوده است در حالی که در سیستم حساب‌های ملی تدوین‌شده در سال ۱۹۹۳ و نیز پیش‌نویس تجدیدنظر شده این سیستم برای سال ۲۰۰۸، حساب‌های بخش نهادی گسترش‌یافته و تهیه و تنظیم آنها همراه با حساب‌های رشته فعالیت‌ها پیش‌بینی شده است.

اضافه کردن ابعاد بخش‌های نهادی در سیستم حساب‌های ملی، موجب شده است که داده‌های حاصل از حساب‌ها به طور وسیع‌تری در تحلیل سیاست‌گذاری‌های دولت مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا

^۱. System of National Accounts.(SNA).

^۲. National Accounts.(2003). P 1

^۳. Flows

^۴. Stocks

داده‌های مربوط به بخش‌های نهادی امکان اندازه‌گیری اثرات رفتار یک بخش نهادی بر روی سایر بخش‌ها را از طریق حرکت جریان مالی و درآمدی فراهم کرده و باعث تخصیص بهینه منابع متناسب با حجم فعالیت و کارایی نهادهای اقتصادی می‌شود. به عنوان مثال در صورت فراهم بودن سری زمانی داده‌های مربوط به بخش‌های نهادی، اثرات عملیات تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری انجام شده توسط شرکت‌های مالی یا غیرمالی بر مالیات یا سایر درآمدهای بخش دولت قابل اندازه‌گیری خواهد بود و یا برعکس، تعیین میزان تأثیر اعمال سیاست‌های دولت بر سودآوری فعالیت‌های تولیدی بخش شرکت‌های مالی و غیرمالی و خانوارها امکان پذیر است. در سال‌های نه چندان دور به دلیل نبود چنین اطلاعاتی در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی به روابط و اثرات متقابل بخش‌های نهادی کمتر توجه شده و این مسأله دستیابی به برخی اهداف برنامه‌ها را با مشکل مواجه ساخته است.

در این پژوهش ضمن بیان تعریف و طبقه‌بندی بخش‌های نهادی، به‌طور اختصار به معرفی توالی حساب‌های پیش‌بینی‌شده در چارچوب مرکزی سیستم حساب‌های ملی و اقلام ترازکننده در هر مرحله پرداخته و در پایان با استفاده از آمار منتشره بانک مرکزی، توزیع و روند هر یک از بخش‌های نهادی در اقتصاد ایران را در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۶، براساس اقلام اصلی ترازکننده در حساب‌های جاری، تجزیه و تحلیل کرده و ضمن مقایسه سهم بخش‌های نهادی در اقتصاد کشور با کشورهای ناحیه اروپا، پیشنهادهای لازم برای تدوین در برنامه‌های آتی کشور را ارائه خواهیم کرد.

۲. تعریف و طبقه‌بندی بخش‌های نهادی

اقتصاد هر کشور از مجموعه واحدهای نهادی^۱ مقیم تشکیل می‌شود. واحدهای نهادی که به تولید کالا و خدمات اشتغال دارند به عنوان بنگاه^۲ شناخته می‌شوند. هر گاه این واحدها به‌طور مستقل و یا به طور کلی به یک نوع فعالیت اقتصادی در یک محل اشتغال داشته باشند، کارگاه^۳ نامیده شده و گروهی از کارگاه‌ها که به یک نوع فعالیت یا فعالیت‌های مشابه مشغول باشند یک رشته فعالیت^۴ را تشکیل

^۱. Institutional Units

^۲. Enterprise

^۳. Establishment

^۴. Industry

می‌دهند. بر اساس تعریف سیستم حساب‌های ملی، واحد نهادی یک موجودیت^۱ اقتصادی است که با استفاده از حقوق خود قابلیت تملک دارایی‌ها، تقبل بدهی‌ها و اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی و مبادله با سایر موجودیت‌ها را دارد. بر این اساس می‌توان واحدهای نهادی همگن را در بخش‌های نهادی^۲ مرتبط طبقه‌بندی نمود^۳. بخش‌های نهادی مقیم هر کشور در سیستم جدید حساب‌های ملی به پنج گروه به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شوند که هر کدام نیز از واحدهای نهادی مقیم مرتبط در قلمرو اقتصادی^۴ تشکیل شده‌اند^۵:

- شرکت‌های غیرمالی،^۶

- شرکت‌های مالی،^۷

- دولت عمومی،^۸

- خانوارها،^۹

- مؤسسات غیر انتفاعی در خدمت خانوارها (NPISHs).^{۱۰}

نمودار زیر تمایز بین یک بخش نهادی و یک رشته فعالیت اقتصادی را شفاف‌تر خواهد ساخت. در این نمودار رشته فعالیت آموزش به سه زیر فعالیت آموزش تحت کنترل بخش خصوصی، آموزش تحت کنترل بخش دولتی و آموزش تأمین مالی شده توسط مؤسسات غیرانتفاعی تقسیم شده است. حال، چنانچه بخواهیم از بعد بخش نهادی به فعالیت آموزش نگاه کنیم، زیر فعالیت‌های آن به‌طور جداگانه به ترتیب به بخش‌های نهادی شرکت‌های غیرمالی، دولت عمومی و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار طبقه‌بندی می‌شود.

^۱. Entity

^۲. Institutional Sectors

^۳. National Accounts.(2003). P 74

^۴. Economic Territory

^۵. SNA.(1993). paragraph 4.6

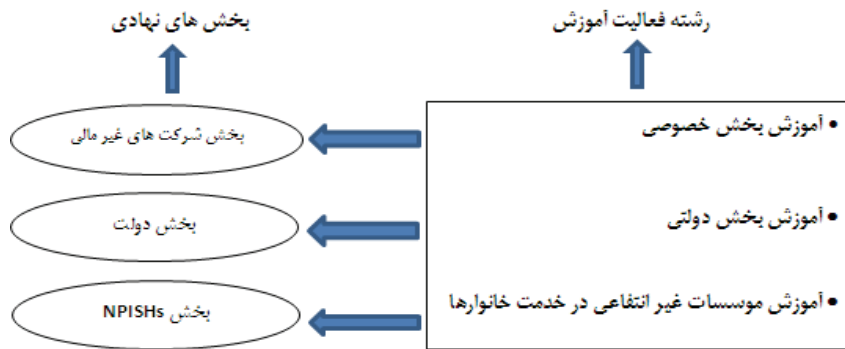
^۶. Non Financial Corporation

^۷. Financial Corporation

^۸. General Government

^۹. Household

^{۱۰}. Non Profit Institutions Serving Households



شرکت، شخصیتی حقوقی است که به منظور تولید کالاها یا خدمات بازاری تشکیل شده و هدف آن کسب سود یا انواع دیگر منافع مالی است و تحت مالکیت و کنترل جمعی صاحبان سهام اداره می‌شود. علاوه بر شرکت‌ها، سیستم حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳، شبه شرکت‌ها^۱ را نیز معرفی می‌کند که به‌رغم آنکه فاقد شخصیت حقوقی ثبت شده هستند، اما از نظام نگهداری حساب دارایی‌ها و بدهی‌های کامل و مستقلی برخوردارند. شرکت‌ها بر حسب نوع فعالیت به شرکت‌های غیرمالی و مالی تفکیک می‌شوند که هر یک از آنها به سه دسته شرکت‌های دولتی، خصوصی و شرکت‌های تحت کنترل خارجیان قابل تقسیم هستند. بخش شرکت‌های مالی فعالیت‌های بانک مرکزی تا بانکهای تجاری، مؤسسات اعتباری غیربانکی، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی، کارگزاران اوراق بهادار و ارائه‌کنندگان انواع خدمات پوشش‌دهنده ریسک را در برمی‌گیرد. سایر شرکت‌هایی که نمی‌توان برحسب نوع فعالیت در این رده طبقه‌بندی کرد، به بخش شرکت‌های غیرمالی تعلق دارند.^۲

بخش دولت عمومی شامل دولت مرکزی و واحدهای دولت محلی همراه با صندوق تأمین اجتماعی است که توسط واحدهای دولتی تأمین مالی می‌شوند. افزون بر این، این بخش شامل

^۱ Quasi Corporations: شبه شرکت بنگاهی غیرشرکتی است که مشابه شرکت‌ها یعنی مستقل از واحد نهادی که به آن تعلق دارند، عمل می‌کند و مانند شرکت دارای مجموعه کاملی از حساب‌ها از جمله ترازنامه است. بنابراین، شبه‌شرکت‌های متعلق به خانوارها یا واحدهای دولتی بر حسب اینکه دارای فعالیت مالی یا غیرمالی باشند در بخش شرکت‌های مالی یا غیرمالی طبقه‌بندی می‌شوند (SNA, 1993, para 4.49).

^۲ حساب‌های ملی ایران بر اساس SNA93، بانک مرکزی، ص ۱۳

مؤسسات غیرانتفاعی است که به تولیدات غیر بازاری^۱ اشتغال داشته و در بیشتر موارد توسط واحدهای دولتی تأمین مالی می‌شود. واحدهای نهادی دولتی از نظر اهداف، وظایف و رفتار اقتصادی کاملاً متفاوت با واحدهای دیگر هستند. وظیفه واحدهای دولتی، سازمان‌دهی، تأمین مالی و فراهم کردن کالاها و خدمات فردی و جمعی غیربازاری برای خانوارها و کل جامعه است. دولت ممکن است خود به تولیدات غیربازاری اشتغال داشته باشد، همچنین وظیفه توزیع مجدد درآمد از طریق مالیات و سایر انتقالات به عهده دولت است.^۲

بخش خانوار شامل تمام خانوارهای مقیم است که شامل خانوارهای دسته جمعی نظیر بیمارستانها، خانه سالمندان، زندانها و جز اینها است که در آن افراد برای مدت طولانی سکونت دارند. خانوارها ممکن است به هر نوع فعالیت اقتصادی اشتغال داشته باشند و لزوماً مصرف‌کننده صرف نباشند. اعضای خانوارها چه از طریق فعالیت‌های تولیدی خود و چه از طریق عرضه نیروی کار به سایر بنگاه‌های شرکتی و غیرشرکتی نقش مهمی را در تولید ایفا می‌کنند. در حقیقت اعضای خانواری که به فعالیت اقتصادی مبادرت می‌ورزند، از طرف خانوارهایی که به آن تعلق دارند عمل می‌کنند و به عنوان یک موجودیت جداگانه در نظر گرفته نمی‌شوند. از این رو وقتی یک عضو خانوار، مالک بنگاهی است که شرکت یا شبه شرکت نیست، این بنگاه جزء جدایی‌ناپذیر خانوار محسوب می‌شود.^۳

مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار (NPISH) نوعی از مؤسسات غیرانتفاعی هستند که کالاها و خدماتی را به صورت رایگان یا به قیمتی که به لحاظ اقتصادی معنادار نیست برای خانوارها فراهم می‌کنند. ویژگی اصلی این مؤسسات این است که امکان ایجاد درآمد، سود یا سایر منافع مالی برای واحدهای تأسیس‌کننده یا تأمین مالی‌کننده آنها را نمی‌دهد.^۴

طبقه‌بندی متقاطع تصویری از ارتباط واحدهای نهادی و بخش‌های نهادی را ارائه نماید.

^۱ Non – Market Production : تولید کالاها و خدمات فردی و جمعی است که توسط دولت و یا مؤسسات غیرانتفاعی ایجاد می‌شود و به صورت رایگان یا به قیمتی که از نظر اقتصادی معنادار نیست به سایر واحدهای نهادی یا کل جامعه عرضه می‌شود (SNA, 1993, 6.90).

^۲ SNA.(1993). paragraphs 4.9

^۳ SNA.(1993). paragraph 4.132-4160

^۴ SNA.(1993). paragraph 4.161

جدول شماره ۱. طبقه‌بندی متقاطع واحدهای نهادی بر حسب نوع و بخش

بخش های نهادی واحدهای نهادی	بخش شرکت های غیر مالی	بخش شرکت های مالی	بخش دولت عمومی	بخش خانوار	بخش مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوارها
شرکت ها و شبه شرکت ها	شرکت های غیر مالی و شبه شرکت ها	شرکت های مالی و شبه شرکت ها			
واحدهای دولتی			واحدهای دولتی (شامل صندوق های تأمین اجتماعی)		
خانوارها				خانوار	
مؤسسات غیرانتفاعی	مؤسسات غیرانتفاعی غیر مالی بازاری	مؤسسات غیرانتفاعی مالی بازاری	مؤسسات غیرانتفاعی غیر بازاری تحت کنترل دولت		مؤسسات غیرانتفاعی غیر بازاری در خدمت خانوارها

مأخذ: مرکز آمار ایران، الگوی محاسبه محصول ناخالص داخلی، جلد اول، ۱۳۷۵.

جدول بالا را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

(الف) تمام شرکت‌ها و شبه شرکت‌های غیر مالی به نهاد شرکت‌های غیر مالی تخصیص داده می‌شود.
 (ب) تمام شرکت‌ها و شبه شرکت‌های مالی به نهاد شرکت‌های مالی تخصیص داده می‌شود.
 (ج) تمام واحدهای دولتی شامل صندوق‌های تأمین اجتماعی به نهاد دولت عمومی اختصاص می‌یابد.

(د) همه خانوارها به نهاد خانوارها تخصیص داده می‌شود، ولی مؤسسات غیرانتفاعی ممکن است به هریک از بخش‌های نهادی عمده غیر از خانوارها تخصیص داده شود.^۱

۳. طبقه‌بندی حساب‌ها در SNA 93

در نظام حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳، حساب‌ها به سه دسته حساب‌های جاری^۲، حساب‌های انباشت^۳ و ترازنامه‌ها^۴ تقسیم می‌شوند. حساب‌های جاری تولید، توزیع درآمد و حساب مصرف درآمد را ثبت می‌کند. این حساب‌ها چگونگی استفاده از درآمد قابل تصرف برای مصرف نهایی را نشان می‌دهد.

^۱ SNA.(1993). paragraph 4.13.

^۲ Current Accounts

^۳ Accumulation Accounts

^۴ Balance Sheets

حساب‌های انباشت، تمام تغییرات در دارایی‌ها و بدهی‌ها را ثبت می‌کند و در نتیجه تمام تغییرات ایجاد شده در مابه‌التفاوت دارایی‌ها و بدهی‌ها (ارزش خالص یا ویژه)^۱ را در یک دوره معین نشان می‌دهند و شامل سه حساب سرمایه، حساب مالی و حساب سایر تغییرات در دارایی‌ها است. ترازنامه‌ها نیز موجودی دارایی‌ها و بدهی‌ها و اختلاف بین آنها را در ابتدا و انتهای دوره حسابداری نشان می‌دهد.^۲ مبادلات مربوط به موارد مشخصی از اقتصاد در رشته فعالیت‌ها و یا بخش‌های نهادی در زیر مجموعه حساب‌های مذکور ثبت می‌شوند. این مبادلات معمولاً تراز نیستند و دریافتی و پرداختی آنها برابر نیست. بنابراین در هر حسابی باید یک کمیت ترازکننده تعیین شود تا به نوبه خود اندازه‌های معناداری از عملکرد اقتصادی را در رشته فعالیت یا بخش نهادی ارائه دهد. جدول ۲ به طور خلاصه توالی حساب‌ها را به همراه قلم ترازکننده و کمیت‌های کلان اقتصادی در هر مرحله از حساب‌ها و برای کل اقتصاد نشان می‌دهد. گفتنی است که سیستم حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ در تمام موارد دارای ساختار حسابداری واحد بوده و این ساختار علاوه بر کل اقتصاد برای بخش‌های نهادی نیز اعمال می‌شود به گونه‌ای که می‌توان قلم ترازکننده هر حساب را برای هر یک از پنج بخش نهادی در اقتصاد ارائه نمود.

جدول شماره ۲. توالی حساب‌ها، اقلام ترازکننده و کمیت‌های کلان اقتصادی در SNA 93

حساب‌ها	کمیت ترازکننده	کمیت کلان اقتصادی
حساب‌های جاری ۱- حساب تولید ۲- حساب توزیع و مصرف درآمد	۱- حساب تولید ۲-۱- حساب توزیع اولیه درآمد ۲-۲- حساب توزیع ثانویه درآمد ۲-۳- حساب مصرف درآمد	۱-۲-۱- حساب ایجاد درآمد ۱-۲-۲- حساب تخصیص درآمد اولیه ۲-۳-۱- حساب مصرف درآمد قابل تصرف
حساب‌های انباشت ۱- حساب سرمایه ۲- حساب مالی ۳- حساب سایر تغییرات در دارایی‌ها	۱- حساب سرمایه ۲- حساب مالی ۳- حساب سایر تغییرات در دارایی‌ها	- تغییرات ارزش خالص در رابطه با انتقال سرمایه و پس‌انداز - خالص وام‌دهی/خالص وام‌گیری - تغییرات ارزش خالص در رابطه با سایر تغییرات در مقدار دارایی‌ها و منافع زیان حاصل از نگهداری دارایی
ترازنامه‌ها ۱- تراز ابتدای دوره ۲- تغییرات ترازنامه ۳- تراز انتهای دوره	۱- تراز ابتدای دوره ۲- تغییرات ترازنامه ۳- تراز انتهای دوره	- ارزش خالص - کل تغییرات ارزش خالص - ارزش خالص

مأخذ: System of National Accounts 93 paragraph 2.96

^۱. Net Worth

^۲. SNA.(1993). paragraph 1.4 -1.12

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با استفاده از آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی روند و توزیع بخش‌های نهادی در اقتصاد ایران را در حساب‌های جاری و در پنج قلم ترازکننده ارزش افزوده^۱، مازاد عملیاتی/درآمد مختلط^۲، در آمد اولیه ناخالص^۳، در آمد ناخالص قابل تصرف^۴ و پس‌انداز ناخالص^۵ در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ بررسی کرده‌ایم. گفتنی است که در آمار بانک مرکزی، بخش نفت به عنوان یک بخش نهادی جداگانه طبقه‌بندی شده است که بر اساس تعریف SNA93 این بخش یک رشته فعالیت بوده و نمی‌تواند به عنوان یک بخش نهادی جداگانه تلقی شود، بنابراین بخش نفت به عنوان یکی از زیربخش‌های شرکت‌های غیرمالی در اقتصاد تجزیه و تحلیل شده است و دلیل آن هم مدیریت شرکت ملی نفت ایران در صنعت نفت به عنوان یکی از شرکت‌های غیرمالی است. ضمن اینکه به دلیل پیچیدگی مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار و عدم تفکیک آنها از بخش خانوار، این دو بخش را به صورت واحد بررسی کرده‌ایم.

بر اساس جدول ۵، در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ به‌طور متوسط بخش شرکت‌های غیرمالی با ۴۶/۹ درصد، خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار با ۳۹/۷ درصد، بخش دولت عمومی با ۱۱/۶ درصد و شرکت‌های مالی با ۱/۷ درصد به ترتیب بیشترین سهم را در ایجاد ارزش افزوده کشور به عهده داشته‌اند. اگرچه نمودار ۱، نشان می‌دهد که از سال ۱۳۷۷ سهم شرکت‌های غیرمالی به شدت روند صعودی داشته که بیشتر به دلیل افزایش قیمت و سهم ارزش افزوده نفت بوده و سهم ارزش افزوده خانوارها روندی کاهنده را طی کرده است. از طرفی در فاصله این سال‌ها سهم ارزش افزوده دولت روندی کاهشی را شاهد بوده است که این مسأله به‌ویژه پس از سال ۱۳۷۷ که دولت با افزایش درآمدهای نفتی روبه‌رو بوده، قابل تأمل است.

^۱. Value Added

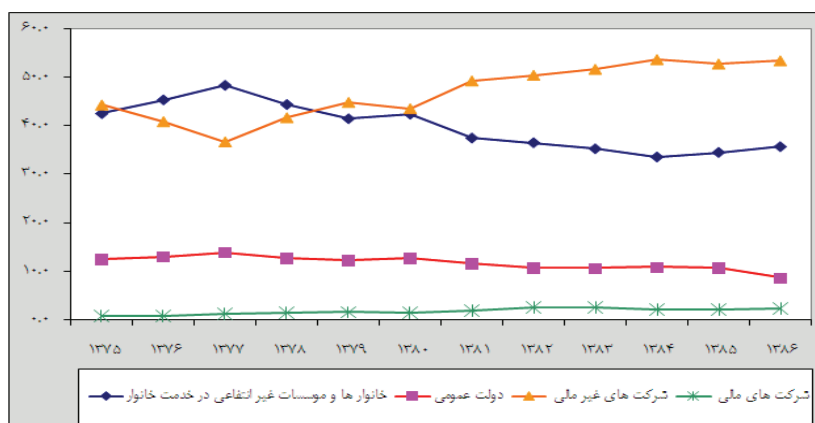
^۲. Operating Surplus/Mixed Income

^۳. Gross Primary Income

^۴. Gross Disposable Income

^۵. Gross Saving

نمودار ۱. روند سهم ارزش افزوده بخش‌های نهادی در اقتصاد ایران



مأخذ: جدول ۵ پیوست.

پس از کسر جبران خدمات کارکنان^۱ و خالص مالیات بر تولید از ارزش افزوده، مازاد عملیاتی یا درآمد مختلط به دست می‌آید. این کمیت مازاد یا کسری ایجادشده از فرآیند تولید را پیش از در نظر گرفتن هر نوع بهره، اجاره‌پرداختی بر دارایی‌های مالی قرض گرفته‌شده یا دارایی‌های ملموس غیرقابل تولید مجدد، اندازه‌گیری می‌کند. این کمیت برای بنگاه‌هایی غیر از بنگاه‌های غیرشرکتی^۲ تحت تملک خانوارها که در آن مالک یا اعضای خانوار به جای به‌کارگیری کارکنان با مزد، خود به عنوان کارکنان بدون مزد به‌کار مشغول می‌شوند، درآمد مختلط نامیده می‌شود؛ زیرا در آن جبران خدمات و درآمد کارفرمایی غیر قابل تفکیک است.^۳

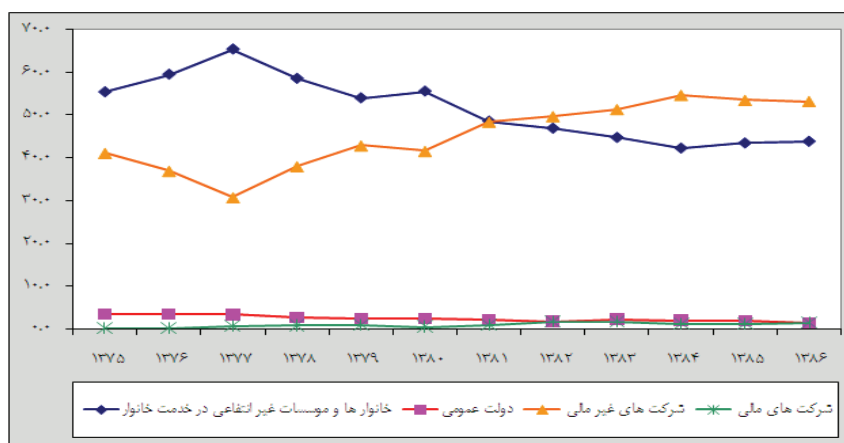
^۱ Compensation of Employees: کل مبلغ نقدی و غیرنقدی قابل پرداخت به کارکنان به ازای کار انجام‌شده در طول یک دوره حسابداری است. جبران خدمات کارکنان شامل حقوق و دستمزد نقدی و غیرنقدی قابل پرداخت به کارکنان، بیمه‌های اجتماعی واقعی پرداختنی سهم کارفرما و بیمه‌های اجتماعی احتسابی هزینه شده توسط کارفرما است (SNA, 1993, paragraph 7.21).

^۲ Unincorporated Enterprises: به بنگاهی گفته می‌شود که به عنوان واحد یا شخص حقوقی، جدا از مالک یا مالکان آن موجودیت نداشته و دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌های مورد استفاده در این بنگاه‌ها، به مالکان آن (به عنوان اشخاص حقیقی) تعلق دارد. بنابراین، در انواع مبادله با واحدهای دیگر، مالکان این بنگاه‌ها دارای مسئولیت هستند (SNA, 1993, paragraph 4.4).

^۳ SNA. (1993). paragraph 7.80

در فاصله سال‌های مورد اشاره بخش‌های خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوارها با متوسط ۵۱/۶ درصد بیشترین سهم را در ایجاد مازاد عملیاتی/درآمد مختلط در کشور به عهده داشته و پس از آن شرکت‌های غیرمالی با ۴۵/۱ درصد، دولت با ۲/۴ درصد و شرکت‌های مالی با ۰/۹ درصد در مرتبه بعد قرار داشته‌اند (جدول ۶). اگرچه از سال ۱۳۷۷ به دلیل افزایش قیمت نفت، روند سهم مازاد عملیاتی/درآمد مختلط خانوارها با روند کاهشی و بخش دولت با روند صعودی مواجه شده است (نمودار ۲).

نمودار ۲. روند سهم مازاد عملیاتی ناخالص بخش‌های نهادی در اقتصادی ایران



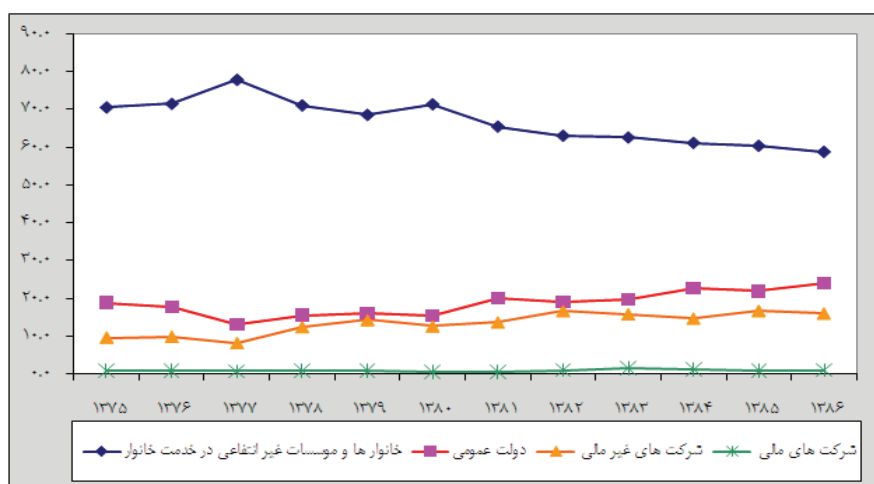
مأخذ: جدول ۶ پیوست.

اگر چنانچه در هر بخش نهادی، خالص درآمد مالکیت^۱ از خارج را به مازاد عملیاتی اضافه کنیم، درآمد ناخالص اولیه را برای هر بخش خواهیم داشت. در دوره مورد نظر بخش خانوار و NPISH با بیش از ۶۶/۹ درصد بیشترین سهم را در ایجاد درآمد اولیه در بین بخش‌های نهادی دیگر داشته و پس از آن بخش دولت با متوسط سهم ۱۸/۷ درصد، شرکت‌های غیرمالی با ۱۳/۵ درصد و شرکت‌های مالی با ۱ درصد در رتبه بعدی قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه اینکه با وجود متوسط سهم ۴۵/۱ درصدی مازاد عملیاتی بخش نهادی شرکت‌های غیرمالی این بخش تنها ۱۳/۵ درصد درآمد ناخالص

^۱ property Income: درآمدی است که توسط مالکان دارایی‌های مالی و دارایی‌های تولید نشده مشهود به صورت بهره، سود سهام و رانت دریافت می‌شود (SNA, 1993, paragraph 7.88).

اولیه را به خود تخصیص داده است (جدول ۷). این مسأله به دلیل منفی بودن خالص درآمد مالکیت در طی این سال‌ها در این بخش نهادی به ویژه در بخش نفت بوده است، به طوری که ارزش خالص درآمد مالکیت بخش مرتبط با نفت از رقم ۳۸۰۹۱- میلیارد ریال سال ۱۳۷۵ به رقم ۵۷۲۹۳۶- میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است.^۱ ضمن اینکه از سال ۱۳۷۷ روند سهم درآمد ناخالص اولیه به جز در بخش خانوار و NPISH که روندی نزولی را طی کرده است در بقیه بخش‌ها شاهد سیر صعودی ملایمی بوده‌ایم (نمودار ۳).

نمودار ۳. روند سهم درآمد ناخالص بخش‌های نهادی در اقتصاد ایران



مأخذ: جدول ۷ پیوست.

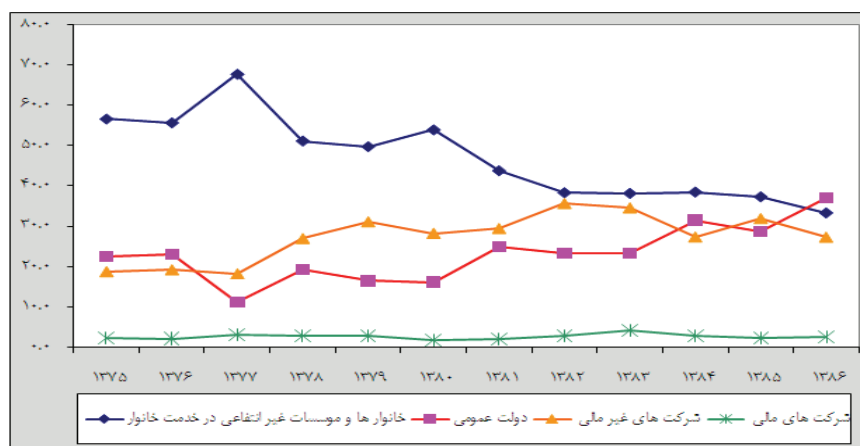
آخرین قلم ترازکننده در بخش حساب‌های جاری "پس‌انداز" است که ترازکننده حساب مصرف درآمد قابل تصرف است. اگر هزینه مصرف نهایی^۲ هر بخش نهادی را از درآمد قابل تصرف در آن بخش کسر کنیم به پس‌انداز ناخالص در هر بخش خواهیم رسید. گفتنی است در بین بخش‌های نهادی تنها بخش خانوارها و NPISH و بخش دولت عمومی دارای مصرف نهایی هستند.

^۱ رجوع کنید به آمار حساب‌های نهادی در سایت بانک مرکزی به آدرس <http://www.cbi.ir/>

^۲ Final Consumption Expenditure: شامل هزینه کالاها و خدماتی است که توسط خانوارها یا جامعه برای ارضای خواسته‌های فردی (مصرف فردی) و نیازهای اجتماعی (مصرف جمعی) مصرف می‌شود.

نکته قابل توجه در جدول ۹ پیوست این است که اگرچه خانوارها با ۴۶/۹ درصد در بین سایر بخش‌های نهادی دارای بیشترین متوسط سهم پس‌انداز در دوره مورد مطالعه بوده‌اند، اما روند سهم پس‌انداز ایجادشده توسط این بخش در دوره مورد نظر به شدت نزولی بوده و از ۵۶/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۳/۲ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. ضمن آنکه نسبت پس‌انداز به درآمد قابل تصرف خانوارها نیز از ۳۳/۴ درصد سال ۱۳۷۵ به ۲۷/۶ درصد سال ۱۳۸۶ کاهش نشان می‌دهد. نکته مهم اینکه اوج کاهش سهم پس‌انداز خانوارها از سال ۱۳۷۷ به بعد یعنی از زمان افزایش تدریجی درآمدهای نفتی دولت شروع شده است. همچنین، در سایر بخش‌های نهادی و از سال ۱۳۷۷ به بعد شاهد روند صعودی ملایم پس‌انداز ناخالص بوده‌ایم (نمودار ۴).

نمودار ۴. روند سهم پس‌انداز ناخالص ملی بخش‌های نهادی در اقتصاد ایران



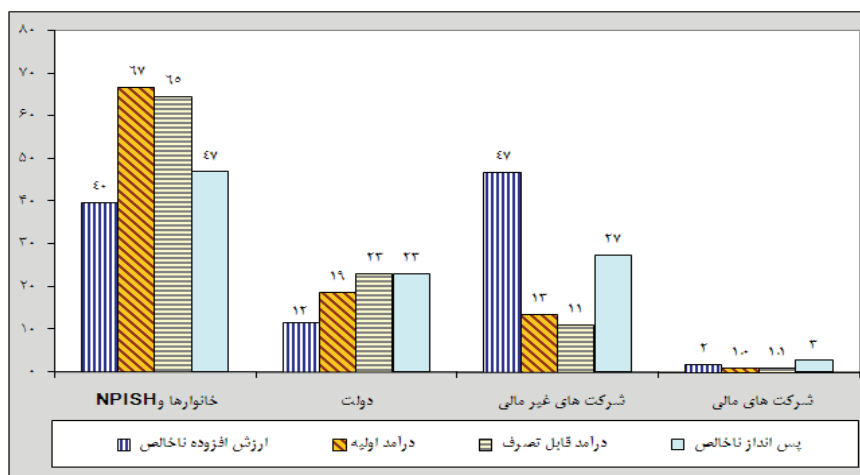
مأخذ: جدول ۹ پیوست.

نمودارهای ۵ و ۶ مقایسه متوسط سهم ارقام ترازکننده حساب‌های جاری در کشور با ارقام مشابه در کشورهای حوزه اروپا را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه که از مقایسه این دو نمودار حاصل می‌شود آن است که نهاد خانوار و NPISH در کشورهای اروپایی با وجودی که تنها ۲۴ درصد ارزش افزوده کل را تولید می‌کنند در حدود ۸۳ درصد درآمد اولیه و ۴۴ درصد پس‌انداز ناخالص را در اختیار خود دارند، در حالی که نهاد خانوار در ایران با وجود تولید بیش از ۴۰ درصد ارزش افزوده، ۶۷ درصد درآمد اولیه و ۴۷ درصد پس‌انداز کل را به خود اختصاص داده است. به بیان دیگر، نهاد خانوار و

NPISH در کشورهای حوزه اروپا به ازای هر یک واحد ارزش افزوده ایجادشده توسط خود در حدود ۳/۵ واحد درآمد اولیه کسب می‌کنند، این درحالی است که این رقم برای نهاد خانوار در کشور تنها ۱/۷ واحد است. از سوی دیگر، بخش خانوار در کشورهای حوزه اروپا بیش از نیمی از درآمد اولیه خود را پس‌انداز نموده، که با نسبت پس‌انداز کمتر از یک سوم درآمد اولیه خانوارهای ایرانی فاصله زیادی وجود دارد. همچنین، بخش نهادی شرکت‌های غیرمالی در کشورهای اروپایی در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۸ به‌طور متوسط بیش از ۵۷ درصد ارزش‌افزوده را ایجاد کرده است در حالی‌که متوسط این رقم برای کشور ایران در حدود ۴۷ درصد است که بدون احتساب فعالیت شرکت‌های نفتی تنها ۲۷/۲ درصد ارزش‌افزوده کل کشور را شامل می‌شود.

نمودار ۵. متوسط سهم ارقام ترازکننده حساب‌های جاری بخش‌های نهادی در کشور

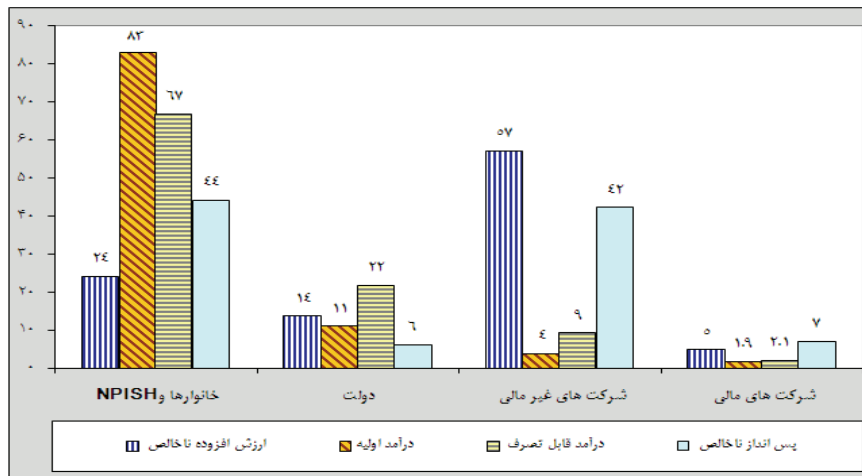
۱۳۸۶-۱۳۷۵



مأخذ: آمارحساب‌های ملی بانک مرکزی.

نمودار ۶. متوسط سهم ارقام ترازکننده حساب‌های جاری بخش‌های نهادی در کشورهای ناحیه اروپا

۲۰۰۸-۱۹۹۹



مأخذ: بانک مرکزی اتحادیه اروپا (European Central bank).

۵- خلاصه، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

- در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ به‌طور متوسط بخش شرکت‌های غیرمالی با ۴۶/۹ درصد، خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار با ۳۹/۷ درصد، بخش دولت عمومی با ۱/۶ درصد و شرکت‌های مالی با ۱/۷ درصد به ترتیب بیشترین سهم را در ارزش افزوده کشور ایجاد کرده‌اند. در طول سال‌های مورد بررسی سهم نهاد خانوار کاهش یافته، به‌طوری‌که سهم ارزش افزوده خانوارها از ۴۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است.
- از متوسط سهم ارزش افزوده ۴۶/۹ درصدی شرکت‌های غیرمالی در اقتصاد، در حدود ۲۰ درصد سهم شرکت‌های نفتی بوده است، این در حالی است که سهم ارزش افزوده بخش نفت از ۱۶/۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۷/۴ درصد در سال ۱۳۸۶ افزایش داشته و سهم سایر شرکت‌های غیرمالی در این دوره ۱/۴ درصد کاهش یافته است. بنابراین، هرگونه افزایش

- سهام شرکت‌های غیرمالی در بیشتر موارد به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت و به دنبال آن افزایش سهم شرکت‌های نفتی بوده است.
- به‌رغم اینکه بخش خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی مرتبط، بیشترین متوسط سهم مازاد عملیاتی/درآمد مختلط، درآمد اولیه، درآمد قابل تصرف و پس‌انداز را در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۶ در بین سایر بخش‌های نهادی داشته است ولی همواره روند این شاخص‌ها از سال ۱۳۷۷ برای این بخش سیر نزولی داشته که نشان از کاهش نقش درآمدزایی بخش خانوارها در اقتصاد کشور دارد.
 - در دوره مورد نظر بخش خانوار و NPISH با بیش از ۶۶/۹ درصد بیشترین سهم را در ایجاد درآمد اولیه در بین بخش‌های نهادی دیگر داشته‌اند و پس از آن بخش دولت با متوسط سهم ۱۸/۷ درصد، شرکت‌های غیرمالی با ۱۳/۵ درصد و شرکت‌های مالی با ۱ درصد در رتبه بعدی قرار گرفته‌اند. ضمن آنکه با وجود متوسط سهم ۴۵/۱ درصدی مازاد عملیاتی بخش نهادی شرکت‌های غیرمالی این بخش تنها ۱۳/۵ درصد درآمد ناخالص اولیه را به خود تخصیص داده که این مسأله به دلیل منفی‌بودن خالص درآمد مالکیت در این دوره و در این بخش نهادی بوده است.
 - اگرچه خانوارها در بین سایر بخش‌ها دارای بیشترین متوسط سهم پس‌انداز در دوره مورد مطالعه بوده است اما روند سهم پس‌انداز ایجادشده توسط این بخش در این دوره به شدت نزولی بوده و از ۵۶/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۳/۲ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است و نسبت پس‌انداز به درآمد قابل تصرف خانوارها نیز از ۳۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۷/۶ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته است. نکته مهم آن که اوج کاهش سهم پس‌انداز خانوارها از سال ۱۳۷۸ و همزمان با افزایش تدریجی درآمدهای نفتی دولت آغاز شده است. با توجه به تحلیل روند بخش‌های نهادی در کشور به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان برنامه پنجم و برنامه‌های آتی توسعه اقتصادی کشور بایستی با توجه به سهم و تأثیرگذاری هر یک از بخش‌های نهادی و اثرات سیاست‌های اجرایی برنامه بر هر کدام از بخش‌ها به ویژه سیاست‌های برنامه‌ای دولت بر

سایر بخش‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند. بنابراین، در برنامه پنجم توسعه کشور علاوه بر نگاه بخشی و رشته فعالیتی به ابعاد فرابخشی و توسعه متناسب و متوازن بخش‌های نهادی نیز توجه نمود. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به تناسب‌سازی نقش خانوارها و مؤسسات غیرانتفاعی در تولیدات کشور و پس‌انداز آنها، افزایش سهم شرکت‌های غیرمالی غیرنفتی، شرکت‌های مالی و کاهش حجم دولت عمومی توجه داشت. ضمن آن که در تدوین سیاست‌های مالی و پولی دولت می‌بایستی اثرات متقابل این سیاست‌ها بر سایر بخش‌های نهادی را شناسایی و به تناسب تدبیر لازم اتخاذ شود.

منابع:

- ۱- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۵). الگوی محاسبه محصول ناخالص داخلی. جلد اول.
- ۲- مرکز آمار ایران. مجموعه تعاریف و مفاهیم حساب‌های ملی.
www.sci.org.ir/portal/faces/public/naac/naac.taarif
- ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. آمار حساب‌های ملی ایران براساس SNA 93.
www.cbi.ir/page/4460.aspx
- 4- Dippelsman, Robert.(2004). Institutional Sector Classification, IMF.
- 5- System of National Accounts.(1993). UNSD, IMF, OECD, EUROSTAT, WB.
- 6- System of National Accounts.(2008). UNSD, IMF, OECD, EUROSTAT, WB,
Pre edited Version of Vol.1.
- 7- United Nation.(2003). National Accounts:A Practical Introduction. New York.
- 8- <http://unstats.un.org/unsd/sna1993/toctop.asp>
- 9- http://www.ecb.int/press/pr/date/2006/html/pr060531_background.pdf

پیوست:

جدول ۳. سهم ستانده به تفکیک بخش‌های نهادی

(درصد)

سال	خانوارها و مؤسسات غیر انتفاعی در خدمت خانوار	دولت عمومی	شرکت‌های غیر مالی			شرکت‌های مالی	کل
			جمع	نفث	سایر شرکت‌های غیر مالی		
۱۳۷۵	۴۱.۳	۱۰.۶	۴۶.۹	۱۱.۹	۳۵.۰	۱.۲	۱۰۰.۰
۱۳۷۶	۴۳.۸	۱۰.۷	۴۴.۳	۱۰.۱	۳۴.۲	۱.۳	۱۰۰.۰
۱۳۷۷	۴۵.۴	۱۱.۴	۴۱.۸	۶.۴	۳۵.۴	۱.۴	۱۰۰.۰
۱۳۷۸	۴۳.۵	۱۰.۵	۴۵.۵	۱۰.۸	۳۴.۷	۱.۵	۱۰۰.۰
۱۳۷۹	۴۰.۱	۱۰.۴	۴۷.۹	۱۲.۹	۳۵.۱	۱.۶	۱۰۰.۰
۱۳۸۰	۴۰.۳	۱۰.۷	۴۷.۵	۱۱.۲	۳۶.۳	۱.۵	۱۰۰.۰
۱۳۸۱	۳۵.۹	۹.۶	۵۴.۵	۱۶.۲	۳۶.۳	۱.۹	۱۰۰.۰
۱۳۸۲	۳۴.۳	۹.۰	۵۴.۲	۱۵.۹	۳۸.۴	۲.۴	۱۰۰.۰
۱۳۸۳	۳۳.۲	۹.۲	۵۴.۸	۱۶.۸	۳۸.۱	۲.۷	۱۰۰.۰
۱۳۸۴	۳۱.۹	۹.۵	۵۶.۲	۱۹.۶	۳۶.۵	۲.۴	۱۰۰.۰
۱۳۸۵	۳۲.۱	۹.۷	۵۵.۷	۱۹.۱	۳۶.۶	۲.۵	۱۰۰.۰
۱۳۸۶	۳۳.۶	۷.۸	۵۶.۰	۲۰.۰	۳۶.۰	۲.۶	۱۰۰.۰

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی

جدول ۴. سهم مصرف واسطه به تفکیک بخش‌های نهادی

(درصد)

سال	خانوارها و مؤسسات غیر انتفاعی در خدمت خانوار	دولت عمومی	شرکت‌های غیر مالی			شرکت‌های مالی	کل
			جمع	نفث	سایر شرکت‌های غیر مالی		
۱۳۷۵	۳۹.۰	۶.۸	۵۲.۱	۱.۷	۵۰.۴	۲.۱	۱۰۰.۰
۱۳۷۶	۴۰.۷	۶.۰	۵۱.۲	۱.۹	۴۹.۳	۲.۲	۱۰۰.۰
۱۳۷۷	۳۹.۷	۶.۷	۵۱.۹	۲.۲	۴۹.۷	۱.۷	۱۰۰.۰
۱۳۷۸	۳۸.۹	۶.۳	۵۳.۰	۳.۴	۴۹.۶	۱.۷	۱۰۰.۰
۱۳۷۹	۳۷.۴	۶.۷	۵۴.۲	۳.۴	۵۰.۷	۱.۷	۱۰۰.۰
۱۳۸۰	۳۶.۲	۶.۸	۵۵.۵	۴.۰	۵۱.۵	۱.۵	۱۰۰.۰
۱۳۸۱	۳۳.۰	۵.۸	۵۹.۲	۳.۶	۵۵.۷	۲.۰	۱۰۰.۰
۱۳۸۲	۳۰.۳	۵.۷	۶۱.۶	۳.۷	۵۷.۹	۲.۳	۱۰۰.۰
۱۳۸۳	۲۹.۶	۶.۶	۶۰.۸	۴.۰	۵۶.۸	۲.۹	۱۰۰.۰
۱۳۸۴	۲۸.۸	۷.۱	۶۰.۹	۴.۵	۵۶.۴	۳.۱	۱۰۰.۰
۱۳۸۵	۲۷.۷	۷.۹	۶۱.۲	۴.۸	۵۶.۴	۳.۲	۱۰۰.۰
۱۳۸۶	۲۹.۶	۶.۲	۶۱.۰	۵.۶	۵۵.۴	۳.۲	۱۰۰.۰

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی

جدول ۵. سهم ارزش افزوده به تفکیک بخش‌های نهادی

(درصد)

سال	خانوارها و مؤسسات غیر انتفاعی در خدمت خانوار	دولت عمومی	شرکت‌های غیر مالی			شرکت‌های مالی	کل
			جمع	نفت	سایر شرکت‌های غیر مالی		
۱۳۷۵	۴۲.۴	۱۲.۴۶	۴۴.۳	۱۶.۹	۲۷.۴	۰.۸	۱۰۰.۰
۱۳۷۶	۴۵.۳	۱۲.۹۸	۴۰.۹	۱۴.۱	۳۶.۸	۰.۹	۱۰۰.۰
۱۳۷۷	۴۸.۳	۱۳.۷۸	۳۶.۷	۸.۶	۳۸.۱	۱.۲	۱۰۰.۰
۱۳۷۸	۴۴.۳	۱۲.۶۱	۴۱.۷	۱۴.۵	۲۷.۲	۱.۴	۱۰۰.۰
۱۳۷۹	۴۱.۴	۱۲.۱۹	۴۴.۸	۱۷.۶	۲۷.۳	۱.۶	۱۰۰.۰
۱۳۸۰	۴۲.۳	۱۲.۶۰	۴۳.۵	۱۴.۸	۲۸.۷	۱.۵	۱۰۰.۰
۱۳۸۱	۳۷.۴	۱۱.۵۲	۴۹.۲	۲۲.۴	۳۶.۹	۱.۸	۱۰۰.۰
۱۳۸۲	۳۶.۴	۱۰.۶۸	۵۰.۴	۲۲.۲	۲۸.۲	۲.۵	۱۰۰.۰
۱۳۸۳	۳۵.۲	۱۰.۶۲	۵۱.۶	۲۳.۶	۲۸.۰	۲.۶	۱۰۰.۰
۱۳۸۴	۳۳.۵	۱۰.۸۰	۵۳.۶	۲۷.۶	۳۶.۰	۲.۱	۱۰۰.۰
۱۳۸۵	۳۴.۴	۱۰.۷۳	۵۲.۷	۳۶.۷	۳۶.۰	۲.۱	۱۰۰.۰
۱۳۸۶	۳۵.۶	۸.۶۷	۵۳.۴	۲۷.۴	۳۶.۰	۲.۳	۱۰۰.۰

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی

جدول ۶. سهم مازاد عملیاتی ناخالص به تفکیک بخش‌های نهادی

(درصد)

سال	خانوارها و مؤسسات غیر انتفاعی در خدمت خانوار	دولت عمومی	شرکت‌های غیر مالی			شرکت‌های مالی	کل
			جمع	نفت	سایر شرکت‌های غیر مالی		
۱۳۷۵	۵۵.۴	۳.۴	۴۱.۰	۳۱.۷	۱۹.۳	۰.۱	۱۰۰.۰
۱۳۷۶	۵۹.۵	۳.۴	۳۶.۹	۱۸.۵	۱۸.۴	۰.۲	۱۰۰.۰
۱۳۷۷	۶۵.۴	۳.۳	۳۰.۷	۱۱.۵	۱۹.۳	۰.۶	۱۰۰.۰
۱۳۷۸	۵۸.۶	۲.۷	۳۸.۰	۱۹.۱	۱۸.۹	۰.۸	۱۰۰.۰
۱۳۷۹	۵۴.۰	۲.۳	۴۲.۸	۲۳.۱	۱۹.۷	۰.۸	۱۰۰.۰
۱۳۸۰	۵۵.۶	۲.۴	۴۱.۵	۱۹.۶	۲۱.۹	۰.۵	۱۰۰.۰
۱۳۸۱	۴۸.۶	۲.۱	۴۸.۳	۲۹.۵	۱۸.۸	۰.۹	۱۰۰.۰
۱۳۸۲	۴۷.۰	۱.۸	۴۹.۶	۲۹.۰	۲۰.۶	۱.۶	۱۰۰.۰
۱۳۸۳	۴۴.۸	۲.۲	۵۱.۳	۳۰.۴	۲۰.۸	۱.۷	۱۰۰.۰
۱۳۸۴	۴۲.۳	۲.۰	۵۴.۶	۳۵.۴	۱۹.۲	۱.۱	۱۰۰.۰
۱۳۸۵	۴۳.۵	۱.۹	۵۳.۴	۳۴.۱	۱۹.۳	۱.۱	۱۰۰.۰
۱۳۸۶	۴۳.۹	۱.۴	۵۳.۱	۳۴.۱	۱۹.۱	۱.۵	۱۰۰.۰

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی

جدول ۷. سهم درآمد ناخالص ملی به تفکیک بخش‌های نهادی

(درصد)

سال	خانوارها و مؤسسات غیر انتفاعی در خدمت خانوار	دولت عمومی	شرکت‌های غیر مالی			شرکت‌های مالی	کل
			جمع	نفت	سایر شرکت‌های غیر مالی		
۱۳۷۵	۷۰.۶	۱۸.۹	۹.۷	۱.۳	۸.۴	۰.۹	۱۰۰.۰
۱۳۷۶	۷۱.۵	۱۷.۷	۹.۹	۱.۴	۸.۵	۰.۸	۱۰۰.۰
۱۳۷۷	۷۷.۹	۱۳.۱	۸.۲	-۰.۲	۸.۴	۰.۸	۱۰۰.۰
۱۳۷۸	۷۱.۱	۱۵.۶	۱۲.۵	۴.۱	۸.۴	۰.۹	۱۰۰.۰
۱۳۷۹	۶۸.۶	۱۶.۱	۱۴.۴	۵.۳	۹.۱	۱.۰	۱۰۰.۰
۱۳۸۰	۷۱.۴	۱۵.۳	۱۲.۷	۳.۲	۹.۵	۰.۵	۱۰۰.۰
۱۳۸۱	۶۵.۵	۲۰.۱	۱۳.۷	۶.۳	۷.۵	۰.۷	۱۰۰.۰
۱۳۸۲	۶۳.۱	۱۹.۱	۱۶.۸	۶.۹	۹.۹	۱.۱	۱۰۰.۰
۱۳۸۳	۶۲.۶	۱۹.۸	۱۵.۹	۷.۴	۸.۵	۱.۶	۱۰۰.۰
۱۳۸۴	۶۱.۲	۲۲.۷	۱۴.۸	۷.۷	۷.۱	۱.۴	۱۰۰.۰
۱۳۸۵	۶۰.۴	۲۱.۹	۱۶.۸	۸.۵	۸.۳	۰.۹	۱۰۰.۰
۱۳۸۶	۵۸.۸	۲۴.۰	۱۶.۱	۷.۷	۸.۵	۱.۱	۱۰۰.۰

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی

جدول ۸. سهم درآمد ناخالص قابل تصرف به تفکیک بخش‌های نهادی

(درصد)

سال	خانوارها و مؤسسات غیر انتفاعی در خدمت خانوار	دولت عمومی	شرکت‌های غیر مالی			شرکت‌های مالی	کل
			جمع	نفت	سایر شرکت‌های غیر مالی		
۱۳۷۵	۶۸.۱	۲۳.۴	۷.۵	۱.۳	۶.۲	۰.۹	۱۰۰.۰
۱۳۷۶	۶۹.۲	۲۲.۳	۷.۶	۱.۴	۶.۲	۰.۹	۱۰۰.۰
۱۳۷۷	۷۵.۳	۱۷.۹	۵.۸	-۰.۲	۶.۰	۱.۰	۱۰۰.۰
۱۳۷۸	۶۸.۸	۱۹.۹	۱۰.۲	۴.۱	۶.۱	۱.۰	۱۰۰.۰
۱۳۷۹	۶۶.۲	۲۰.۳	۱۲.۴	۵.۳	۷.۱	۱.۱	۱۰۰.۰
۱۳۸۰	۶۸.۱	۲۰.۴	۱۰.۸	۳.۲	۷.۷	۰.۷	۱۰۰.۰
۱۳۸۱	۶۳.۴	۲۳.۶	۱۲.۱	۶.۱	۶.۰	۰.۸	۱۰۰.۰
۱۳۸۲	۶۱.۰	۲۲.۸	۱۵.۰	۶.۹	۸.۲	۱.۲	۱۰۰.۰
۱۳۸۳	۶۰.۵	۲۳.۵	۱۴.۳	۷.۴	۷.۰	۱.۷	۱۰۰.۰
۱۳۸۴	۵۹.۶	۲۷.۷	۱۱.۵	۵.۸	۵.۷	۱.۲	۱۰۰.۰
۱۳۸۵	۵۸.۴	۲۶.۹	۱۳.۶	۶.۸	۶.۸	۱.۰	۱۰۰.۰
۱۳۸۶	۵۷.۱	۲۸.۸	۱۲.۹	۵.۶	۷.۳	۱.۲	۱۰۰.۰

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی

جدول ۹. سهم پس انداز ناخالص ملی به تفکیک بخش‌های نهادی

(درصد)

سال	خانوارها و مؤسسات غیر انتفاعی در خدمات خانوار	دولت عمومی	شرکت‌های غیر مالی			شرکت‌های مالی	کل
			جمع	نفت	سایر شرکت‌های غیر مالی		
۱۳۷۵	۵۶.۵	۲۲.۴	۱۸.۸	۳.۳	۱۵.۴	۲.۳	۱۰۰.۰
۱۳۷۶	۵۵.۶	۲۳.۰	۱۹.۲	۳.۵	۱۵.۷	۲.۲	۱۰۰.۰
۱۳۷۷	۶۷.۶	۱۱.۱	۱۸.۲	-۰.۵	۱۸.۸	۳.۰	۱۰۰.۰
۱۳۷۸	۵۱.۱	۱۹.۲	۲۷.۰	۱۰.۸	۱۶.۱	۲.۸	۱۰۰.۰
۱۳۷۹	۴۹.۷	۱۶.۴	۳۱.۱	۱۳.۳	۱۷.۸	۲.۸	۱۰۰.۰
۱۳۸۰	۵۳.۸	۱۶.۱	۲۸.۲	۸.۲	۲۰.۰	۱.۹	۱۰۰.۰
۱۳۸۱	۴۳.۷	۲۴.۸	۲۹.۴	۱۴.۹	۱۴.۵	۲.۰	۱۰۰.۰
۱۳۸۲	۳۸.۳	۲۳.۲	۳۵.۶	۱۶.۳	۱۹.۴	۲.۹	۱۰۰.۰
۱۳۸۳	۳۸.۱	۲۳.۲	۳۴.۶	۱۷.۸	۱۶.۸	۴.۱	۱۰۰.۰
۱۳۸۴	۳۸.۴	۳۱.۴	۲۷.۴	۱۳.۷	۱۳.۶	۲.۸	۱۰۰.۰
۱۳۸۵	۳۷.۲	۲۸.۵	۳۱.۹	۱۶.۰	۱۵.۹	۲.۳	۱۰۰.۰
۱۳۸۶	۳۳.۲	۳۶.۹	۲۷.۳	۱۱.۸	۱۵.۵	۲.۵	۱۰۰.۰

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی